

انتظار یک لحظه شیرین

نیاز من آن گرمای آغوش مهربانت هست ، نیاز من آن شیرینی

بوسه های پر محبت است....

آرزوی من گرفتن دستان گرمت هست و کار من در این لحظات

انتظار دیدن آن چهره ماهت است....

بی قرارم عزیزم ، بی قرار دیداری دوباره با تو ، و بی قرار آنم که دوباره با هم

در شهر عشق در کنار هم قدم بزنیم و بار دیگر خاطرات شیرینی را بر جا بگذاریم

کاش بودی و بار دیگر آن خاطرات شیرین با هم بودنمان را تکرار میکردیم.....

آنگاه که من بار دیگر تو را از نزدیک ببینم ، بی نیاز بی نیازم و اگر باردیگر تو را از

تمام وجودم حس کنم دیگر آرزویی در دلم برجا نخواهد ماند.....

وقتی به عاشقانی که دست در دستان هم گذاشته اند و در آغوش هم میباشند

نگاه می اندازم حسرت در کنار تو بودن در دلم می ماند و آنگاه آرزو میکنم که ای

کاش در کنارم بودی تا با افتخار در کنار تو قدم بزنم و به آنها بگویم که آری من

نیز عاشقم و به داشتن چنین عشقی افتخار میکنم.....

نیاز من نگاه به آن چشمهای زیبایت است ، نیاز من آن خنده های عاشقانه ات است....

بی قرارم ای عزیز راه دورم ، و در انتظار به سر رسیدن فصل زمستان و بهارم....

میشمارم تک تک ثانیه ها را ، پشت سر میگذارم زمستان و بهار را ، در برابر باد

سرد فاصله می ایستم تا لحظه به تو رسیدن و در آغوش تو آرام گرفتن ، فرا رسد!

نمی دانی که بدجور دلنگ تو هستم ای نازنینم و نمیدانی که چقدر دلم برای

صدای قدمهایت ، راه رفتن در کنارت ، بوسه بر لبانت ، دست گذاشتن در دستانت

و نگاه به چشمانت تنگ شده است.....

و باز باید این انتظار تلخ را پشت سر بگذارم تا لحظه ای که ماه ها در انتظار

آن بودم فرا رسد! آری لحظه ای که من عشقم را با تمام وجود احساس خواهم کرد.....

alifathi1385.blogfa.com